

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

تأسیس دادگاه دائمی بین‌المللی جهت رسیدگی بدعاوی دول و حل اختلافات ناشیه از قرار دادهای بین‌المللی دلیل تحول عظیمی است که اخیراً در روابط کشورها بوجود آمده است. همانطور که درجوامع کوچک وقتی افراد را میتوان متمدن دانست که بمنظور رفع مناقشات خویش ازسیستم انتقام شخصی دست‌کشیده بجای‌توسل بزور و قلندری از نظرات قضائی افراد یا دستگاههای صالحه‌استفاده کنند، دولت‌ها نیز که درحقیقت افراد جامعه بزرگ جهان‌میباشند هنگامی متمدن نامینه میشوند که توپ و تانک و گاز سمی و بمب اتمی را کنار گذارند و از مراجع قضائی بین‌المللی در رفع خصومت های خویش استمداد نمایند. فقط دراینصورت است که صلح درجهان پایدار و امنیت در سراسرگیتی برقرار میگردد.

درجریان قرن نوزدهم موضوع ارجاع دعاوی بین‌المللی بدآوری مورد توجه مخصوصی قرارگرفته ترقی وتوسعه شگرفی درآن ایجادگردید. علت این پیشرفت نتیجه مطلوبی بود که کشور های متحده آمریکا و دولت انگلستان از ارجاع قضیه آلاباما Alabama بدآوری گرفتند. داوری مزبور که در سال ۱۸۷۲ میلادی صورت گرفت مقامات مسئول بین‌المللی را باتخاذ این رویه درحل اختلافات تشویق و کم‌کم آنان را متوجه نهضت عظیمی کرد که تا آنزمان از نتایج آن بی‌اطلاع بودند. یکباره همگی بتأسیس دستگاه مرتب و منظمی که همواره برای رسیدگی بدعاوی دولتها آماده و مهیا باشد ابراز علاقه شدید نمودند. از طرف دیگر در غالب عهدنامه های بین‌المللی ارجاع بدآوری درمورد وقوع اختلافات قید میگردد. نتیجه بموجب قرارداد های منعقد اولاً: شخص حکم که معمولاً شخصی بیطرف و بیغرض است تعیین میشود. ثانیاً: سواردیکه قابل ارجاع بدآوری است معین میگردد. ثالثاً: قواعد و مقرراتی‌را که باید سببی وملاك رأی داور قرارگیرد مشخص میساخت. رابعاً: بمنظور الزام متعاهدین برعایت رأی حکم واطاعت از آن ضمانت اجرائی مقرر میگردد. درسال ۱۸۷۱ میلادی کشور های متحده آمریکا دوازده دعوی از دعاوی خود با بریتانیای کبیر و چهار دعوی از مخاصمات خویش با ممالک اروپائی وسیزده دعوی باکشور های آمریکای لاتن‌را بحکمیت ارجاع وازهمه نتیجه مطلوب گرفت. درفاصله بین سالهای ۱۸۷۲ و ۱۸۹۹ بریتانیای کبیر در ۳۰ داوری وکشور های متحده آمریکا در ۲۰ داوری و کشورهای اروپائی دیگر در ۶۰ داوری وکشور های آمریکای لاتن در ۵۰ داوری شرکت جستند که هر یک از آنها منتهی بختامه دادن دعاوی متعددی که گاهی شمارشان به هزار میرسید گردید. چون تمام این داوریها

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

با موفقیت کامل خاتمه یافت دول نسبت بتوسعه و ترقی این وسیله رفع خصومت توجه بیشتری مبذول داشتند .

در سال ۱۸۹۹ میلادی ، هنگامی که به تقاضای تزار نیکلا Tzar Nicolas دولتها در لاهه اجتماع کرده بودند تا از حالت مسابقه ای که در تسلیحات و تدارکات جنگی بین آنان پیدا شده بود جلوگیری بعمل آورند پیشنهاد های متعددی برای رسیدگی باختلافات ناشی از قرارداد ها و رفع منازعات از طرق مسالمت آمیز داده شد . این پیشنهادات ومذاکرات منتهی به امضای قراردادی گردید که نه تنها عمل بدانرا تحت انضباط و نظم درستی درآورد بلکه دادگاهی دائمی را نیز پیش بینی نمود که وظیفه آن رسیدگی بمرافعات ناشی از قرارداد ها بود . این دادگاه دیوان دائمی داوری بین‌المللی نام داشت . دیوان مزبور با همه محسنات و منافع که داشت از نظر حفظ صلح جهانی که منظور اساسی و هدف غائی دول بود نتوانست چنانکه باید و شاید از عهده انجام وظایف محوله برآید . این حقیقت از بدو شروع کار دیوان مشهود بود تا اینکه در ۱۹۰۷ کنفرانس صلح دیگری در لاهه تشکیل شد . دول شرکت کننده این مسئله را در آن مطرح و سعی کردند « دادگاه بین‌المللی » بمعنی واقعی و حقیقی این عبارت بوجود آورند اما متأسفانه تلاش آنان بی نتیجه ماند . علت این عدم موفقیت آن بود که دول بزرگ و مقتدر جهان اصرار داشتند کرسیهای قضائی دادگاه را تنها خود بنست آورند ودول کوچک را از شرکت در آن محروم و بی نصیب سازند برعکس دول ضعیف کوشش میکردند اصل مسلم مساوات مراعات شود و دادرسان از میان اشخاص صلاحیتدار جهان بدون توجه بملیت و قومیتشان انتخاب گردند . این کشمکش تا سال ۱۹۱۴ میلادی که جنگ اول جهانی رخ داد ادامه داشت . چهارسال جنگ عالم سوز زمینه توجه با اهمیت موضوع را مساعد ساخت ومیثاق جامعه ملل در ماده ۱۴ خود تأسیس دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی را پیش بینی و در فوریه ۱۹۲۰ این نظریه بمرحله عمل و اجرا درآمده از طرف جامعه ملل شورای مخصوصی مأسور تنظیم اسانامه دیوان گردید و بمنظور آنکه در بن بست ۱۹۰۷ گرفتار نشود طرحی تنظیم کرد که بموجب آن تمام ملل عضو جامعه در هیئت مخصوصی بنام « هیئت منصفه » دیوان نماینده داشته باشند وشورائی دائمی از نمایندگان کشورهای بزرگ جهان تشکیل گردد وقضات دادگاه بوسیله ایندو انتخاب شوند .

طرح شورای مزبور در شورای جامعه ملل و پس از آن در مجمع عمومی جامعه مطرح بحث و مذاکره قرار گرفت و بالاخره در ۱۶ دسامبر ۱۹۳۰ پروتکلی به ضمیمه اسانامه تشکیل دادگاه بین‌المللی آماده امضاء گردید و باامضای ۴۱ نفر از دول جهان رسید . پس از آنکه بیست و یک دولت از چهل و یک دولت امضا کننده آن رسماً اجرای آنرا خواستار گردیدند اولین جلسه دادگاه در ژانویه ۱۹۲۲ تشکیل گردید و تا ۱۹۳۶ جلسات متعددی تشکیل داد و در این سال تجدید نظری در اسانامه آن بعمل آمد . باید دانست که موانع اجرای طرح فوق‌الذکر بمراتب مهمتر از مشکلات تهیه خود آن بود بااینهمه رویهمرفته اسانامه فوق‌الذکر مواجه با رضایت واستقبال عموم دول گردید و اصلاحاتی که

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

در ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ در آن بعمل آمد تغییرات قابل ملاحظه‌ای در اساس آن نداد و رفته‌رفته بصورت مؤسسه بین‌المللی زنده و بانفوذی درآمد که وظایف خود را با موفقیت ایفا میکرد و تا فوریه ۱۹۴۰ وضع بدین‌منوال بود که در این تاریخ گرفتار وضع اسف‌انگیز و نکبت‌بار جنگ بین‌الملل دوم گردید. طی مدت بیست سال (از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰) پروتکل دادگاه بوسیله پنجاه و نه دولت باسضا رسید که پنجاه و یک دولت از آنها شخصاً اقدام بتصویب آن در مجالس تقنینیه داخلی خود نمودند. نتیجه دادگاه بین‌المللی محکم و متینی ایجاد شد و صورت یک «دادگاه جهانی واقعی» را بخود گرفت.

پس از جنگ دوم جهانی دیوان دائمی داوری بین‌المللی همچنان بنام دیگری بحیات سابق خود ادامه داد و اگرچه مختصر تغییراتی در مقررات مربوط بان پیدا شد ولی بطور کلی این تغییرات چندان مهم نبود. اساس سازمان جدید بدو در مذاکرات معروف به دومبارتن اوکس Dumbarton Oaks و بعداً بطور رسمی تری در کنفرانس یالتا Yalta پی ریزی گردید. در این کنفرانس سه دولت عضو تقاضا کردند نمایندگانی از طرف دول برای تهیه طرح تأسیس دادگاه بین‌المللی بشورای قضائی سازمان ملل متحد اعزام شوند. این تقاضا تصویب شد و بمورد عمل درآمد. شورای مزبور پس از تشکیل بیش از دو هفته در ماه آوریل تشکیل جلسه داد و در اساسنامه دادگاه جرح و تعدیلی بعمل آورده آنرا منطبق با فصل چهاردهم منشور ملل متفق (دادگاه بین‌المللی) ساخت. بمنظور آنکه دادگاه جدید کاملاً جانشین دیوان دائمی داوری بین‌المللی سابق گردد قرار شد که اگر عهدنامه‌ای برای حل اختلافات محتمل الوقوع دادگاه سابق را صالح دانسته است اختلاف مزبور در دادگاه جدید حل و فصل خواهد گردید. اولین جلسه این دادگاه در آوریل ۱۹۴۶ تشکیل شد و همچنان بروش قضات دادگاه سلف و دعاوی مطروحه نزد آنان ادامه داد.

کشورهایی که حق مراجعه به دادگاه را دارند: این ممالک بر سه دسته تقسیم میگردد بدین شرح:

۱ - ممالکی که منشور ملل متحد را امضا کرده‌اند که خود بخود وبدون آنکه نیازی بامضای اساسنامه دادگاه باشد امضاکننده آن محسوب میگرددند.

۲ - کشورهایی که منشور ملل را امضا نکرده‌اند لیکن مایلند اساسنامه دادگاه را بپذیرند، مطابق جوایبه‌ای که در سال ۱۹۴۶ از طرف شورای امنیت در پاسخ سؤال دولت سوئد باین کشور فرستاده شده میتوانند با رعایت شرایطی که عبارت از قبول آئین دادرسی دادگاه و تن دادن باحکام آن و پذیرفتن اظهارنظرهای شورای امنیت است عضویت دادگاه را پیدا کنند.

۳ - کشورهایی که نه عضو سازمان ملل متفقند و نه مایلند تشریفات فوق را اجرا و عضویت دادگاه را قبول نمایند، که حق دارند با قبول شرایط مقرر از طرف شورای امنیت دعاوی خویش را به دادگاه ارجاع نمایند. طبق این ترتیب بود که کشور آلبانی

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

در سال ۱۹۴۷ بدون داشتن عضویت سازمان یا اعضای اساسنامه دادگاه با اجرای مقررات فوق‌حل مسئله کانال کرفو Corfu Channel را بدادگاه ارجاع نمود و دادگاه بدان رسیدگی کرد.

تشکیلات دادگاه : دادگاه دارای ۱۵ نفر قاضی است که بطور جمعی بوسیله شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و به پیشنهاد هیئت منصفه دیوان داوری بین‌المللی برای مدت نه سال انتخاب میشوند. اساسنامه دادگاه در این باره مقرر میدارد : « قضات دادگاه باید از میان عده‌ای از دادرسان مستقل جهان که واجد صلاحیت اخلاقی بوده شرایط قضاوت در عالیترین دادگاه کشور خود را داشته باشند و یا از بین عده‌ای از حقوقدانان واجد شرایطی که در امر حقوق بین‌الملل دارای بصیرت و اطلاع کامل باشند بدون توجه بقویت و ملیت آنان انتخاب گردند . »

این دادرسان مادام که بکار قضاوت مشغولند از اشتغال بهرپیشه دیگری ممنوع میباشند . قضات مزبور نمایندگان دولت خود نبوده قسم یاد کرده‌اند باکمال استقلال قدرت قانونی خویش را « بیطرفانه و تحت حکومت وجدان » اعمال کنند .

دادگاه رئیس و نایب رئیس و منشی‌های خود را انتخاب مینماید . همچنین قواعد آئین دادرسی را برای خویش تعیین میکند . منشی دادگاه ریاست دفتر را نیز عهده‌دار است و دارای عضو علی‌البدل و باندازه کافی کارمند دفتری است . منشی صورت دعاوی موجود در دستور کار دادگاه را منظم و مرتب میسازد و همیشه صورت مزبور و اوقات دادرسی را تحت نظر و اختیار خویش دارد . مشاورانیه موظف است صورت آراء دادگاه را چاپ کرده نسخه‌ای از آنها را در بایگانی دادگاه که واقع در لاهه مقر دائمی دادگاه است ضبط و نگاهداری کرده بقیه را برای اطلاع عموم بوسیله دول عضو در جراید جهان منتشر نماید .

اساسنامه دادگاه علاوه بر اعضای عادی یکتوع قضات اختصاصی را نیز در نظر گرفته تا در موردیکه یکی از متداعیین یکنفر قاضی تبعه دولت خویش در دادگاه نداشته باشد بعنوان فوق‌العاده در جلسات دادرسی شرکت کرده حکم صادر نماید . این قاضی از لحاظ شرایط صلاحیت و حقوق و تکالیف هیچگونه تفاوتی با سایر دادرسان ندارد تنها فرق او با دیگران اینستکه صلاحیت قضائی وی اختصاص بر رسیدگی دعوی معین را دارد . مثال بارز و بسیار آشنای اجرای این قاعده که برطبق ماده ۱۳ اساسنامه دادگاه مقرر گردیده انتخاب آقای دکتر سنجابی استاد دانشگاه بعنوان قاضی اختصاصی ایران در محاکمه اخیر دادگاه راجع بمسئله نفت است .

مطلب دیگر آنکه هرگاه کرسی ریاست دادگاه را یکی از اتباع دول اصحاب دعوی اشغال کرده باشد مطابق ماده ۳۱ اساسنامه رسیدگی بدعوی تحت ریاست نایب رئیس انجام میگردد . موضوع شرکت قضاتی از طرف متداعیین در هیئت دادرسان دیوان یکی از مختصات این دادگاه و خلاف اصل مسلمی است که بموجب آن مدعی حق قضاوت نسبت بادعای خود را ندارد .

قبول دعاوی : دادگاه میتواند وظیفه رسیدگی بدعواهایی را که از طرف دول جهان برسد یکی از سه طریق ذیل قبول کند :

۱ - موردیکه طرفین برای حل قضیه خود توافق نموده اند که مرافعه را باین دادگاه احاله نمایند. در اینصورت دادگاه بتقاضای هر دو طرف دعوی وارد رسیدگی میشود.

۲ - وقتیکه متداعیین قضاوت اجباری دادگاه را قبول کرده اند. در اینصورت دادگاه فقط بتقاضای یکی از طرفین شروع برسیدگی مینماید.

۳ - هنگامیکه طرفین قراردادی را امضا کرده ضمن آن دادگاه را مرجع صالح برای حل اختلافات و رفع مناقشات راجع بمواد قرارداد معین نموده اند که در اینصورت نیز مانند صورت اول فقط تقاضای یکی از آنها برای شروع به تحقیقات و دادرسی کافی خواهد بود.

بنابراتب فوق‌کلید صلاحیت دادگاه رضایت دول متخاصم است چه این رضایت قبل از وقوع اختلاف اظهار شده باشد و چه پس از آن. گاهی ضمن موافقتنامه یا قراردادی دول امضاءکننده آئین دادرسی، مسائل قابل طرح در دیوان و بعضی اوقات مدت دادرسی را تعیین مینمایند که در اینصورت پیش‌بینی‌های مزبور ملاک عمل دادگاه قرار خواهد گرفت و دادگاه موظف بر رعایت آنست. قراردادهای بین‌المللی دو جانبه و چند جانبه زیادی قضاوت دادگاه را قبول کرده‌اند از جمله ماده ۱۱ عهدنامه مربوط بسرویس‌های هوایی منعقد بین سوئد و پاکستان که در ژوئیه ۱۹۴۸ بانضای دولتین مزبور رسیده مقرر میدارد: « اگر بین متعاقبین راجع باین قرارداد اختلافی حادث شود نااحتیاجی بتفسیر و تعبیر آن حاصل گردد » در صورتیکه مذاکرات مستقیم موجب حل اختلاف نشود و اتخاذ تدابیر دیگر ثمربخشند « طرفین حق دارند قضیه را بدادگاه صلاحیت‌دار مورد توافقی ارجاع نمایند » و هرگاه دادگاهی مورد توافق قرار نگرفت « دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت‌رسیدگی را خواهد داشت »

دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ میلادی بملل عضو اطلاع داده که در سال قبل ۱۳ قرار داد در دبیرخانه سازمان ثبت رسیده که همگی در مورد اختلاف دیوان دادگستری بین‌المللی را صالح برای رسیدگی قرار داده‌اند.

موضوع جالب توجه آنکه در بعضی مواقع بی‌آنکه نیازی بوجود قراردادی بین دو دولت باشد یا مستقیماً توافق و رضایتی حاصل شود دعوائی را بدادگاه ارجاع مینمایند و دادگاه آنرا قبول میکند. این ترتیب که « قضاوت اجباری » نام دارد اولین بار توسط شورای قضائی جامعه ملل ابتکار گردید و در شورائی که طرح دیوان دائمی داوری بین‌المللی را تنظیم میکرد مورد بحث قرار گرفت. شورای اخیر با این نظر مخالفت ورزید ولی مجمع عمومی یکنوع « قضاوت اجباری » را که در حقیقت مبتنی بر رضایت کلی طرفین بود پذیرفت. این نظر بار دیگر در سال ۱۹۴۵ در کمیسیون قضائی سازمان ملل متحد و نیز در کنفرانس سانفرانسیسکو مورد بحث واقع شد ولی وقتی عده زیادی از نمایندگان دول مخالفت دولت متبوع خود را باین ترتیب قضاوت اعلام کردند مذاکره در این باره موقوف ماند و همان

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

ترتیبی که در اساسنامه دیوان دائمی داوری بین‌المللی اتخاذ شده بود وارد طرح آئین‌نامه دیوان دادگستری بین‌المللی گردید .

طبق این روش هر یک از اعضاء کنندگان اساسنامه می‌تواند پس از انتشار اعلامیه‌ای درباره قبول قضاوت اجباری دادگاه، این نوع دادرسی را بپذیرد و بدینجهت بود که هر یک از دول که مایل بقبول قضاوت اجباری بودند اعلامیه‌ای منتشر نمود مثلاً دولت امریکای شمالی در ۱۴ اوت ۱۹۴۶ اعلامیه خود را دائر بقبول قضاوت اجباری انتشار داد و ضمناً موارد زیر را از آن مستثنی ساخت :

- ۱ - دعای که طرفین قضاوت آن را در صلاحیت دادگاه دیگری تعیین کرده باشند .
- ۲ - دعای که از نظر موضوع در صلاحیت دادگاههای داخلی آمریکا است .
- ۳ - دعای که ناشی از قراردادهای چندجانبه باشد مگر : الف - تمام امضا کنندگانی که رأی دادگاه درباره آنان مؤثر است عضو آن باشند . ب : مخصوصاً کشورهای متحدۀ آمریکا موافقت با این قضاوت را نموده باشد .

این اعلامیه همچنین مقرر داشته که مدت اجرای آن تا ۱۴ اوت ۱۹۵۶ بوده و در انتقضای مدت تا شش ماه پس از اعلام فسخ معتبر است . سایر حکومتها نیز اعلامیه صادر و در آن استثنائاتی قائل گردیدند . دولت شاهنشاهی ایران اعلامیه خود را در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۳۰ باین شرح منتشر ساخته است :

« دولت شاهنشاهی ایران طبق قسمت ۲ ماده ۳۶ اساسنامه قضاوت اجباری دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی را اصولاً و بدون قرداد مخصوصی بشرط معامله متقابله باتمام دولی که این نوع قضاوت را قبول نمایند درمورد کلیۀ اختلافاتی که بعد از تصویب این اعلامیه راجع باحوال و اعمالی که مستقیماً یا من غیرمستقیم ناشی از اعمال عهدنامه‌ها یا قراردادهائی که بعد از تصویب این اعلامیه مورد قبول ایران واقع میشود قبول مینماید جز در موارد زیر :

الف : اختلاف راجع باحوال ارضی ایران و همچنین اختلافات راجع بحقوق حاکمیت ایران نسبت بجزایر و بنادر آن .

ب : اختلافاتی که طرفین راجع بانها موافقت حاصل نموده و یا خواهند نمود که بطریق مسالمت آمیز دیگری مشبث شوند .

ج : اختلاف راجع بمسائلی که برطبق حقوق بین‌الملل منحصرأ تابع قضاوت محاکم ایران میباشد .

بعلاوه دولت شاهنشاهی ایران برای خود این حق را محفوظ میدارد که هر اختلافی که بنسورای جامعه ملل از جاع گردیده تعلق محاکمه آنرا در دیوان داوری تقاضا نماید . این اعلامیه برای مدت شش سال معتبر بوده در انتقضای شش سال مادام که فسخ آن اعلام نگشته بقوت خود باقی خواهد بود . »

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

علاوه بر آنچه ضمن اعلامیه‌های دول استشنا شده خود اساسنامه نیز برای قضاوت اجباری حدودی تعیین کرده است از جمله:

اولاً - فقط وقتی کشوری را میتوان بقضاوت اجباری دعوت نمود که طرف او هم اعلامیه قبول این نوع قضاوت را منتشر کرده باشد.

ثانیاً - موضوع دعوی مشمول یکی از چهار دسته ذیل باشد: الف - تفسیر قرارداد. ب - تفسیر قانون بین‌المللی. ج - تصمیم بر اینکه آیا عمل انجام شده نقض مقررات بین‌المللی است یاخیر (که این امر بیشتر جنبه موضوعی دارد تا قانونی) د - نوع و میزان خساراتی که برای جبران نقض یک قاعده بین‌المللی لازمست.

جلسه رسیدگی: همانطور که ذکر شد اولین قدم برای اجلاس دادگاه تقدیم «دادخواست» و یا «تذکاریه رسمی» است. بلافاصله پس از این عمل طرفین «نمایندگانی» تعیین و بدادگاه معرفی می‌کنند تا در محضر دیوان از حقوقشان دفاع و نقش «میانجی» را ایفا نماید. نمایندگان اختیار کافی دارند که از طرف دولت متبوعشان صحبت کنند و تعهدات آنان برای دولت مزبور الزام آور است دولتها میتوانند علاوه بر نماینده وکیل نیز انتخاب نمایند ولی چون مؤسسه‌ای بعنوان «کانون وکلای بین‌المللی» وجود ندارد مشخصات این طبقه از وکلا معلوم نیست. از اینرو دولتها میتوانند هر وکیلی را که خود مایل باشند انتخاب و بدادگاه معرفی کنند. مسئله جالب توجه اینست که وکلا تحت نظر نمایندگان دول انجام وظیفه مینمایند و دادگاه در موارد تردید سخنان نمایندگان دولتها را معتبر می‌شمارد نه اظهارات وکلا را!

قبل از تشکیل جلسه دادگاه ممکنست طرفین دعوی تبادل لوابح نمایند. دادگاه لایحه یکطرف را برای طرف مقابل ارسال میدارد و طرف نیز لایحه جوابیه ای میفرستد و در موارد لزوم ممکنست دادگاه لایحه جوابیه را برای «پاسخ مجدد» نزد طرف ارسال دارد. گذشته از این در مواقع لازم طرفین را جهت استماع دعوی شفاهی احضاری نماید. در اینصورت دادگاه پس از حضور طرفین از هر دو با از هر کدام که لازم بداند توضیحات میخواهد نماینده و وکیل هم توضیحات و مدارک لازم را بیان و ارائه مینماید. طرفین دعوی میتوانند شهود و کارشناسان و مصدقینی را برای اثبات دعوی خود اقامه و انتخاب کنند. هر وقت رئیس دادگاه اظهارات شفاهی را کافی دانست میتواند از ادامه مذاکرات جلوگیری بعمل آورده اعلام ختم دادرسی را بنماید.

در اینموقع قضات دادگاه بین‌المللی شروع به مباحثه می‌کنند. هر قاضی اظهار نظر مقدماتی خود را می‌نماید و برای آنکه قضات کوچکتر تحت تأثیر دادرسان ارشد قرار نگیرند هر کس از لحاظ درجه و مقام کوچکتر است بدو عقیده خود را اظهار مینماید و بعداً یک بحث کلی انجام می‌گیرد و پس از آن راجع به مسائلی که ناشی از قضیه موضوع دعوی و مربوط بان میباشد رأی میگیرند سپس دادگاه دو نفر را انتخاب مینماید که همراه مقام ریاست کمیسیونی جهت تهیه طرح مقدماتی رأی تشکیل دهند. پس از تنظیم طرح

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

مقدماتی، آنرا قرائت میکنند تا اصلاحات لازم نسبت بان بعمل آید. قضاتی که با این طرح مخالف باشند نظریات اصلاحی خویش را اظهار میدارند. پس از قرائت ثانوی طرح آخرین متن حکم تهیه میشود. صورت مشروح مباحثات اعم از آرائی که اخذ شده و چگونگی رأی هر یک از دادرسان و مذاکرات و استدالات آنان در صورت جلسه ثبت می‌گردد. رأیی که بوسیله رئیس و منشی دیوان امضا میشود حاوی خلاصه‌ای از دعوی، مشخصات اصحاب آن، جریان کار، دلایل و مبنای حکم و بالاخره نظر دادگاه میباشد. قضات در اظهار عقیده آزاد بوده میتوانند نسبت بموضوع مطروحه رأی مخالف یا موافق بدهند. مقرراتی که دادگاه برای صدور احکام خویش مورد استفاده قرار میدهد عبارتند از: عهدنامه‌ها، عادات بین‌المللی که از کثرت استعمال صورت قانون را پیدا کرده اند، قوانین بین‌المللی، تصمیمات قضائی مراجع دادرسی بین‌المللی و نیز آراء و نظرات و مقالات متخصصین حقوق بین‌المللی.

قضاوتهای دادگاه: دیوان دائمی داوری بین‌المللی در بین سالهای ۱۹۲۲

تا ۱۹۴۰ رویهمرفته ۳۲ قضاوت در دعاوی مختلفه کرده است. پروفسور گرانت گیلمر Grant Gilmore در این باره می‌نویسد: «هیچیک از قضاوتهای دادگاه دارای اهمیت فوق‌العاده ای نبوده امید ایجاد دنیای نوینی را در قلوب مردم جهان زنده نساخته است دعاوی مطروحه و آراء صادره قضائاتی ساده و بی‌اهمیت و آب از آسیا افتاده بوده هر دادگاهی اعم از ملی یا بین‌المللی برای قبول وحل و فصل آنها مجهز و آماده است.»

مسائلی که دادگاه نسبت بانها تصمیم گرفته و رأی صادر نموده است باعتبار زمان بدو دسته تقسیم میشود یکی آنها که قبل از سال ۱۹۴۰ در دادگاه مطرح شده و دیگری دعواهایی که پس از این سال یعنی بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم مورد رسیدگی قرار گرفته است. مهمترین آرائی که قبل از سال ۱۹۴۰ صادر شده است عبارت است از: حق آلمان در جلوگیری از عبور یک کشتی مهمات برکه مهمات جنگی را برای لهستان میبرد تا علیه روسیه استعمال شود. دیگر حق ترکیه در مورد توقیف یک کشتی فرانسوی و اقامه دعوی جزائی علیه ناخدای کشتی مزبور که در دریاهای آن کشور با یک کشتی تبعه ترکیه تصادم کرده بود. و حق دولت بلژیک در تنظیم امور حمل و نقل در رودخانه‌های کنگو که بنفع انحصار دولت بلژیک و بضرر یک تاجر انگلیسی صادر گردید.

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در چهارساله حیات پس از جنگ دوم خود نیز آرائی صادر کرده که از آنجمله می‌توان:

۱- رأی وی را در باره قضیه کانال کورفو Corfu Channel که در ۱۹۴۷ توسط دولت انگلستان مطرح شده بود و در ۱۵ دسامبر ۱۹۴۹ بنفع انگلستان و ضرر طرف وی یعنی آلبانی Albania صادر گردید.

۲- دعوی کلمبیا Colombia و پرو Peru مطروحه در ۱۵ اکتبر ۱۹۴۹ که منتهی بصدور حکم بیستم نوامبر ۱۹۵۰ بضرر پرو گردید.

۳ - دعوی ماهیگیری بین دو دولت انگلیس و نروژ به تقاضای انگلیس که منتهی بصدر قرار مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۵۰ گردید، نام برد

آراء مشورتی: علاوه بر مراتب فوق دادگاه در مواردیکه طرفین رضایت داشته باشند و البته دعوی بین دولتها باشد در باره موضوع ارجاع شده رأی مشورتی صادر نماید. منشور ملل متحد به مجمع عمومی سازمان و شورای امنیت اختیار داده است درباره « هر مسئله حقوقی » اظهار نظر مشورتی دادگاه را مستقیماً بخواهد. سایر قسمتهای سازمان ملل و ادارات مربوطه فقط در مواردی که مجمع عمومی اجازه دهد آنها نسبت به « مسائل حقوقی مربوطه به حوزه عمل خود » حق این تقاضا را دارند (ماده ۹۶)

جلسه دادگاه برای اظهار نظر مشورتی در اسری مانند جلسه رسیدگی بدعوی است. از دول متخاصم دعوت میشود که در دادگاه حضور بهرسانند شفاهاً قضیه را مطرح و نظرات خود را اظهار نمایند و همچنین دبیرکل سازمان یا نماینده وی حاضر شده عقاید خود را بیان میکند. اگر تقاضای رأی مشورتی مربوط به امری باشد که بین دول بوده و یکی از طرفین در دادگاه نماینده‌ای نداشته باشد مانند جلسات رسیدگی بدعوی بین المللی طرفی که قاضی ندارد میتواند تقاضای معرفی قاضی اختصاصی خود را بنماید. پس از استماع نظرات نمایندگان طرفین و سایر مراجعی که حق اظهار نظر دارند (مثل دبیرکل سازمان) دادگاه مانند جلسه رسیدگی بدعوی رأی مشورتی صادر می‌کند.

رویه مرتبه وجود دادگاه بین المللی صرفتظیر از همه انتقاداتی که نسبت بان میکنند برای حفظ صلح و امنیت جهان نهایت ضرورت را دارد و علاوه بر این بقول مانلی، ا. هودسن Manly O. Hudson نویسنده آمریکائی « آراء داده گاه کمک عمده‌ای به پیشرفت و توسعه حقوق بین المللی نموده است ».

شایسته است دول بجای توسل بزور و بعوض تکمیل سلاحهای خطرناک متوجه ترك خصومت از طریق دادگاه شده در رفع نواقص کار و حل مشکلات اسور آن کوشش کنند تا جهانی آباد و مترقی را ایجاد نمایند.